

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال دوازدهم - شماره سوم - پاییز ۱۳۹۸ - شماره پیاپی ۴۵

جستار تطبیقی ویژگی‌های عروضی غزلیات سعدی، مولوی و حافظ

(ص ۴۱ - ۶۵)

منصوره ثابت زاده^۲

تاریخ دریافت مقاله: زمستان ۹۷

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: زمستان ۹۷

چکیده

در پژوهش حاضر، ویژگی‌های اوزان ۴۳۵۰ غزل سه شاعر شاخص به لحاظ تفاوتها و تشابهات وزنی و ارتباط با مضامین و معانی آنها مقایسه شده است. چنانکه بسامد اوزان نشان میدهد که بحر "رمل و مجتث" در غزل سعدی و حافظ و بحر "هزج و مضارع" در غزل مولوی بیشترین بسامد را دارند. اوزان غزل سعدی و حافظ که در دو سده متفاوت میزیستند مشابهت بیشتری دارند تا اوزان غزل سعدی و مولوی، که هم عصر بوده اند. رایجترین اوزان غزلیات سه شاعر، شامل ۳۰ وزن است که ۱۵ وزن آن بیشتر از سایرین بکار رفته اند. سعدی و حافظ اوزان ابداعی ندارند، در حالیکه نوآوری‌های وزنی در اوزان متناوب و تکراری مولوی بیشتر مشاهده میشود که چه بسا، مجالس سماع و وجد و اشتیاق اصحاب خانقاه در خلق آنها موثر بوده است. بیشترین کاربرد مختص اوزان بحور متفق الارکان است که بالاترین بسامد را در شعر سه شاعر نشان میدهد. هرچند برخی از تحقیقات اوزان و معانی آنها را بای یکدیگر مرتبط میدانند، مضامین غزل سعدی، مولوی به اوزان خاصی مرتبط نیستند و انواع مضامین نظیر شادی و اندوه و عشق و فراق و وصال و امور عرفانی بدون توجه به وزنی خاص بیان شده اند.

کلمات کلیدی: عروض، غزلیات، مقایسه، انواع اوزان سعدی، مولوی، حافظ

۱ - تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده اند

۲ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب

(m_sabetzadeh@azad.ac.ir)

۱- مقدمه

دنیای موسیقایی و نسبت شاعران با موسیقی و تجربه و سنتهای وزنی؛ بر انتخاب اوزان شعری خواه ناخواه تاثیر بسزایی میگذارد. چنانکه یکی از عوامل تفوق و برجستگی غزل سعدی، مولوی و حافظ به ذهنیت موسیقایی آنان بستگی فراوانی داشته است. بدین معنی که این شاعران به نوعی توانایی ایفای و ریتمیک شعری بواسطه نزدیکی با موسیقی، دست یافته اند و در واقع تجربه زندگی این شاعران، یک نظام موسیقایی برجسته در ذهن و زبان شاعران پدید آورده که برآهنگهای شعری آنان موثر بوده است. دیدگاه متفاوت مولوی در خصوص قالب و صورت متعارف شعری و ساختار شکنی‌هایی که خود مولود مشرب عرفانی خاص اوست و دانش موسیقایی شاعر و توجه به موسیقی مسلما در گزینش اوزان خوش آهنگ و متناسب خودآگاه و ناخودآگاه، دخیل بوده است، به طوری که «مولانا از رهگذر امواج موسیقایی شعر خویش سیل معانی را به ذهن و ضمیر ما منتقل میکند» (موسیقی شعر، ۷۸) همانطور وجوه موسیقایی غزل سعدی و پیوند بحور و اوزان متناسب با معانی عالی، سراینده‌ای بینظیر را پیش روی شیفتگان شعر و موسیقی میگذارد که تاثیرگذارترین اوزان شعری را در جهت بیان و گسترش تعالیم اخلاقی و اندیشه‌های متعالی خود بکار برده است. غزلیات سعدی از نابترین و مشهورترین غزلیات فارسی، حالات و احساسات عاشقانه بشری را با استادی توصیف کرده است. حدود یک قرن بعد، میراث برجای مانده از آفرینش و دستاوردهای زیبایی‌شناسانه صوری و معنایی شاعران پیشین و به خصوص سعدی با ایجازی بینظیر در سخن حافظ متبلور شد که نمیتوان نقش موسیقایی اوزان متناسب را در موفقیت شاعر نادیده گرفت. ظرافت، دقت، حرکت و زیبایی تصویرسازی شاعران مذکور هماهنگی بینظیر و نیروی نهانی خارق العاده‌ای را در بافت غزلیات آنان پدیدار کرده است به طوری که میتوان گفت براستی غزل آنان، گذر به فراسوی زبان است. مقایسه تطبیقی اوزان غزلیات سعدی، مولوی و حافظ در پژوهش حاضر با توجه به شیوه سنتی، برای نخستین بار انجام میگیرد. در بررسی قرائتهای وزنی متفاوت که به طور پراکنده در پیشینه تحقیق مشهود است با سه دیدگاه نوگرایانه، میانه و سنتی در مطالعات عروضی مواجه هستیم. خانلری از مشهورترین پژوهندگان نوگرای دهه‌های بیست و سی، در مقاله‌ای با عنوان "تحقیق انتقادی در عروض و تحول اوزان غزل" بر اساس روش استقلال اوزان از بحور و ارایه نظام و اصطلاحات و پایه‌های پانزده گانه خودساخته، رایجترین اوزان و تعدادی از اوزان کم کاربرد غزلیات سعدی و حافظ را در قیاس با غزل شاعران مشهور قرون هفتم تا سیزدهم برشمرد. (تحقیق در عروض انتقادی، ۸۷) در این تحقیق، غزلیات مولوی به سبب حجم و تنوع زیاد و ویژگیهای خاص یا تاثیرگذاری بر الگوی سنجش در نظر گرفته نشد. داریوش صبور نیز در کتاب "آفاق غزل فارسی" متذکر میشود که «غزلیات مولانا به سبب کیفیت استثنایی خود در اوزان مختلف در این آمارگیری مأخذ محاسبه قرار داده نشده است.» (آفاق غزل فارسی، ۳۹۸) در

دهه چهل، دو مقاله به قلم مسعود فرزاد، یکی با عنوان "اوزان حافظ" در مجموعه "بیست و یک مقاله درباره حافظ" و دیگری مقاله "عروض مولوی" منتشر شد که در آن اوزان حافظ و مولوی بر اساس پایه‌های وزنی هفده گانه و طبقه بندی و نظام عددی خودساخته فرزاد بررسی شده است. فرزاد به جای افاعیل عروضی، اعداد را قرار داد و اوزان دیوان حافظ اعم از مثنوی و قطعه و غزل و نیز غزلیات مولوی را با شواهد شعری در نظر گرفت. (عروض مولوی، ۴) علاوه بر اینها شفیعی کدکنی با تلفیق سنت و تجدد، در اواخر دهه پنجاه، در کتاب "موسیقی شعر" ضمن نامگذاریهای خودساخته، اوزان عروضی را به اوزان "جویباری و کدر و شفاف و خیزابی"، تقسیم کرد و به بررسی و مقایسه صد غزل نخست دیوان حافظ، سعدی و مولوی پرداخت (موسیقی شعر، ۱۳۶)، و بدون آنکه به الگوی طبقه بندیهای پایه ای - ساختگی خانلری - فرزاد توجه کند و از سنتهای عروضی فاصله بگیرد. همچنین در برخی از شرحها و مقدمه دیوانها، به شیوه سنتی، اوزان غزلیات در ذیل هر غزل آورده شده است: نظیر "شرح حافظ" به اهتمام خطیب رهبر یا کتاب "شاخ نبات حافظ" و "غزلیات سعدی" به شرح برزگر خالقی. همچنین در مقدمه شرح فروزانفر بر غزلیات مولوی که شفیعی کدکنی آن را در منتخب غزلیات مولوی نقل کرده است، تفکیک اوزان بر حسب زحاف بدون بسامد و مقایسه اوزان ذکر شده است. نگارنده در پژوهش حاضر، اوزان غزلیات سه شاعر را به شیوه متعارف و سنتی عروضی و با تفکیک زحاف استخراج و در نظام بحور به صورت مجموعه-ای کامل طبقه بندی کرده و با ذکر مختصات و ویژگیهای آنها و با توجه به مضامین غزلیات برای نخستین بار بایکدیگر مقایسه کرده است. طبقه بندی اوزان در نظام بحور عروضی درواقع بازگشت به شیوه قدمای عروضی است که با توجه به دستاوردهای نوین وزن شناسی انجام میگردد. چرا که نظام بحری که قدمای عروضی آنرا تدوین کرده اند، به لحاظ روش و شیوه‌های آموزشی، تجربه و کارآمدی کافی را داراست و از آنجایی که هر بحری ساختار و مشخصات آهنگینی دارد و اوزانی که از هر بحری مشتق شده اند، به سبب دارا بودن مختصات کلی آن بحر، باید در همان بحر و طیفهای مختلف نغمگی خاص خود طبقه بندی شوند، مثل نظام موسیقی ردیف دستگاهی (سنتی، اصیل) ایران که هرگوشه و تصنیف و آهنگ، بازگوکننده خصایص کلی همان دستگاه یا آوازاند که از آن مشتق شده اند و در زیرمجموعه آن قرارمیگیرند و با کلیت نظام نغمگی آن دستگاه یا آواز، شامل نتهای ایست و شاهد و درآمد و اوج و فرود و گ ردش ملودیک و سایر مختصات موسیقایی هماهنگی دارند.

در اینجا علاوه بر اوزان رایج، اوزان کم کاربرد و ابداعی و غیرمتعارف و نیز بسامدی از کل اوزان سه شاعر با جدول و درصد گونه‌های وزنی در مقایسه با کل غزلیات هر شاعر محاسبه و در جدولها ارائه شده است. اما گستردگی مضامین رایج غزل عارفانه و عاشقانه قرون هفتم و هشتم شامل شوق، جذب، حال، عشق، توصیف معشوق زمینی یا ازلی، ناخشنودی از اوضاع روزگار و ناپایداری جهان و بسیاری مضامین دیگر این مجال را نمیدهد تا کیفیت پیوند آنها با اوزان نیز به دقت بررسی گردد،

چرا که بسیاری از غزلیات دارای معنی یکپارچه ای نیستند و وحدت معنایی ندارند و ترکیب و کیفیت انواع وجوه موسیقایی و پیوند و تلفیق با مضامین به سبب تنوع زیاد مستلزم مطالعه تمامی وجوه موسیقایی و معنایی غزلیات است و تا جایی که نگارنده استنباط کرده، بنظر میرسد که نمیتوان یک بحر و وزن را فی نفسه شاد یا غمگین فرض کرد و اگر در برخی از تحقیقات گذشته، وزنهای خفیف و ضربی را با شادی و طرب و ارکان طولانی و اوزان سنگین را با مضامین غم انگیز مرتبط دانسته اند، همواره مصداق پیدا نمیکند. یعنی بحر سریع با وزن "مفتعلن مفتعلن فاعلن" همواره مبین مضامین شاد و هیجانی نیست یا وزن "فعولن" بحر متقارب را نمیتوان مختص مضامین حماسی در نظر آورد، هرچند بسیاری از منظومه‌های حماسی بدین بحرند. درغزل حتی تک تک ابیات یک غزل، بسته به چیدمان کلمات و تکیه‌ها و سکوتها، الحان و فضاهای عاطفی موسیقایی متفاوتی را القا میکنند، هرچند کل غزل با یک وزن عروضی سروده شده باشد، بنابراین در بررسی پیوند موسیقی شعر و معانی آن، به فضای کلی بسنده گردید.

منابع این پژوهش عبارتند از: کلیات سعدی به تصحیح محمد فروغی که در آن شمار غزلیات به ۶۶۳ میرسد و دیوان کبیر یا شمس به تصحیح بدیع الزمان فروزانفر که «شامل سی و شش هزار و سیصد و شصت بیت و دارای سه هزار و دویست و بیست و نه غزل است.» (دیوان کبیر، ۴۳) از این تعداد ۳۱۸۹ غزل به فارسی و اندکی ملمع گونه و به سه زبان فارسی، عربی و ترکی است که در اینجا لحاظ شدند و به غزلیات عربی به سبب ویژگیهای خاص آنها در مجال دیگری پرداخته خواهد شد. غزلیات حافظ نیز براساس نسخه تصحیح علامه قزوینی - غنی شامل ۴۹۵ غزل است.

۲- یافته‌ها و بحث

۲-۱- ویژگیهای کاربردی و مقایسه بحور و اوزان غزلیات سعدی، مولوی و حافظ

الف (بحر و اوزان متفق الارکان: کاربرد بحور متفق الارکان غزلیات سعدی، مولوی و حافظ با یکدیگر همسانیهای بسیاری دارد. فراوانی اوزان سعدی و حافظ به ترتیب شامل بحر رمل، هزج، رجز و متقارب است و تعداد اوزان نیز به یکدیگر نزدیکند. اما درغزل مولوی بیشترین فراوانی مختص بحر هزج و سپس بحر رمل است و بسیاری از مختصات اوزان غزل وی با غزل دو شاعر دیگر متفاوت است. درجدول فراوانی بحور غزل سه شاعر به نسبت کل غزل آنها سنجش و درصدها مشخص شده است .

جدول (۱) بسامد بحورمتفق الارکان غزلیات سعدی، مولوی و حافظ

ردیف	بحر	سعدی	درصد	مولوی	درصد	حافظ	درصد
۱	رمل	۱۹۲	۹.۲۸	۴۷۸	۱۵	۱۷۰	۳۴.۳
۲	هزج	۱۴۲	۲۱.۴	۱۰۱۹	۳۲	۷۹	۱۶

۳	رجز	۲۹	۴,۴	۳۲۰	۱۰	۱۰	۲,۰
۴	متقارب	۴	۰,۶	۲۷	۰,۸	۱	۰,۲
۶	متدارک	-	-	۱۱	-	-	-
	کل بحر ها	۳۶۷	۳۵,۶۸	۱۸۵۵	۵۸,۱	۲۶۰	۵۲,۵

ب) بحور و اوزان مختلف الارکان: بحرهای مختلف الارکان در غزل سعدی و حافظ به ترتیب شامل بحر مجتث، مضارع، خفیف، منسرح و سریع است که تقریباً نیمی از غزلیات آنان را شامل میشود. همانطور که در جدول مشاهده میشود، در غزل مولوی بحر مضارع و سپس بحر منسرح بیشترین بسامد را دارند و با بسامد بحر مختلف الارکان در غزل دو شاعر دیگر تفاوت دارد. توجه به اوزان طولانی در بحر مختلف در غزل سه شاعر بارز و با یکدیگر همانندی دارد در حالیکه برخی از بحر نظیر بحر سریع با وجود سرعت و نشاطی که ایجاد میکند در شعر سعدی و حافظ کاربرد چندانی ندا رد و مولوی آن را بیشتر بکار برده است.

جدول (۲) بسامد بحر مختلف الارکان غزلیات سعدی، مولوی و حافظ

ردیف	بحر	سعدی	درصد	مولوی	درصد	حافظ	درصد
۱	مجتث	۱۲۴	۱۸,۷	۱۰۲	۳,۲	۱۱۷	۲۳,۶
۲	مضارع	۸۶	۱۳	۲۳۳	۷,۳	۹۰	۱۸,۲
۳	خفیف	۳۵	۵,۳	۹۰	۲,۸	۸	۱,۶
۴	منسرح	۲۶	۳,۹	۱۱۲	۳,۵	۲	۰,۴
۵	سریع	۹	۱,۴	۸۱	۲,۵	۱	۰,۲
۶	مقتضب					۱	۰,۲
	کل بحر ها	۲۸۰	۴۲,۲	۶۱۸	۱۹,۳	۲۱۸	۴۴

بحور کم کاربرد مثل بحر متدارک که مولوی چندین غزل در آن سروده و در زمره ابداعات وزنی اوست، همچنین بحر مقتضب که حافظ بکار برده و در غزل سایر شاعران کاربردی نداشته، در بسامدگیری ملاک قیاس قرار نگرفت و به ذکر میزان و ویژگیهای آنها بسنده شد. اوزان غزلیات بستگی به کیفیت و میزان ارکان آنها شامل سه نوع وزن است.

۲-۲- اوزان بلند و تکراری

اوزان بلند شامل ارکان مثنی تکراری از حاف مقصور و محذوف و مخبون و مقبوض و مکفوف و اصلم و ارکان تکراری سالم و همسان اند. سعدی، مولوی و حافظ بسیاری از اوزان بلند با ارکان مثنی را در بحر متفق الارکان آزموده اند و آنها را برای مضامین مختلف بکار برده اند. سعدی با اوزان طولانی بحر رمل پرکششترین و طرب آمیزترین تغزلات را بیان کرده، چنانکه اغلب غزلیات

وی به بحر رمل مثنی‌مخبون اصلم و وزن فاعلاتن فعلاتن فع لاتن فع لن دارای مضامین طرب افزاست

مجلس ما دگر امروز به بستان ماند عیش خلوت به تماشای گلستان ماند (۳۴۷)

مولوی در این وزن و زحاف مسیغ آن هله هله کنان میسراید :
هله زیرک هله زیرک زوتر هله کز جنبش تو کار همه نیکوتر
(ج ۳/غ ۱۰۸۶/ص ۳)

و حافظ در همین وزن خطاب به ساقی به تهنیت عید میپردازد.
ساقیا آمدن عید مبارک بادت وان مواعید که کردی مرود از یادت
(۱۰۵)

در حالیکه بحر رمل مثنی‌محذوف و مقصور بسامد بالایی در غزل مولوی دارد و اغلب مضامین غزل مولوی با این وزن در توصیف حالات عرفانی، بیانی پریشی و تمنایی دارند.
من توام تو منی ای دوست مرو از برخویش خویش را غیر مینگار و مران از در خویش
(ج ۳/غ ۱۲۵۴/ص ۱۰۱)

اوزان طولانی بحر هزج در غزل سعدی نیز سرور انگیزند و شاعر در وزن مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن در توصیف معشوق میگوید:
ای ولوله عشق تو بر هر سر کویی روی تو ببرد از دل ما هر غم رویی
(۶۵۸)

و مولوی اینگونه صلا در میدهد.
رندان همه جمعند درین دیر مغانه درده تو یکی رطل بدان پیر یگانه
(ج ۳/غ ۲۳۳۵/ص ۱۳۱)

و حافظ قلندروار سر در ره معشوق مینهد:
ما درس سحر در سر میخانه نهادیم محصول دعا در ره جانانه نهادیم
(۲۹۵)

بحر متقارب معمولاً برای بیان مضامین حماسی یا تعلیمی کاربرد داشته است، اما در غزل این شاعران کاربرد چندانی ندارد و مقید به بیان مضمون خاصی نیست، چنانکه متعالی‌ترین مضامین عرفانی در غزل مولوی بدین بحر سروده شده است:
تو جان و جهانی کریم مرا چه جان و جهان از کجا تا کجا
(ج ۱/غ ۲۴۰/ص ۱۵۰)

در حالیکه سعدی در زحاف مقصور بحر متقارب، در کنار معشوق آرامش میابد:
مرا راحت زندگی دوش بود که آن ماه رویم در آغوش بود

(۴۱۱)

جدول (۳) اوزان بلند متفق الارکان غزل سعدی ، مولوی و حافظ

ردیف	بحر	وزن	سعدی	درصد	مولوی	درصد	حافظ	درصد
۱	رمل مثنی محدوف	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	۱۷	۲,۶	۱۲۶	۴	۱۱	۰,۳
۲	رمل مثنی مقصور	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلات	۱۵	۲,۳	۲۷	۲,۳	۱۴	۰,۴
۳	رمل مثنی مخبون اصلم	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فع لن	۴۱	۶,۲	۱۴	۰,۴	۴۸	۱,۵
۴	رمل مثنی مخبون اصلم مسنغ	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فع لان	۱۹	۲,۹	۶۲	۱,۹	۲۵	۰,۸
۵	رمل مثنی مخبون مقصور	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلات	۱۸	۲,۷	۳۴	۱,۱	۳۶	۱,۱
۶	رمل مثنی مخبون محدوف	فاعلات فاعلاتن فاعلاتن فعلن	۲۲	۳,۳	۲۷	۰,۸	۲۷	۰,۸
۷	هزج مثنی اخر ب مکفوف محدوف	مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن	۲۲	۳,۳	۷۱	۲,۲	۸	۰,۳

۸	هزج مثنی اخر مکفوف مقصور	مفعول مفاعیل مفاعیل مفاعیل	۱۳	۲	۲۳	۰,۷	۹	۰,۳
۹	هزج مثنی مکفوف محذوف	مفاعیل مفاعیل مفاعیل فعولن	-		۳	۰,۱	-	
۱۰	مقارب مثنی مقصور	فعولن فعولن فعولن فعول	۲	۰,۳	۱	۰	-	
۱۱	مقارب مثنی محذوف	فعولن فعولن فعولن فعل	۱	۰,۲	۵	۰,۲	-	

در بحور مختلف الارکان بسامد اوزان غزل سعدی و حافظ و مولوی، نزدیکی و هماهنگی زیادی با هم دارند. هرچند بالاترین بسامد در غزل سعدی و حافظ به بحر مجتث و در غزل مولوی به بحر مضارع اختصاص یافته است. این شاعران در زحاف رایج بحور مختلف الارکان که شامل مجموعه ای هماهنگ و متعادل از سکوت، حرکت و جنبش است؛ توانایی خود را برای بیان فراز و فرود مضامین تغزلی و نیز عارفانه نشان داده اند.

جدول (۴) اوزان بلند مختلف الارکان غزلیات سعدی، مولوی و حافظ

ردیف	بحر	وزن	سعدی	درصد	مولوی	درصد	حافظ	درصد
۱	مجتث مثنی مخبون اصلم	مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فع لن	۵۸	۸,۷	۱۰,۲	۳,۲	۳۶	۷,۳
۲	مجتث مثنی مخبون محذوف	مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلن	۹	۱,۴	۴۴	۱,۴	۱۹	۳,۸
۳	مجتث مثنی مخبون مقصور	مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلات	۱۱	۱,۷	۳۸	۱,۲	۲۸	۵,۷
۴	مجتث مثنی	مفاعیلن	۳۳	۵,۰	۲۵	۰,۸	۳۲	۶,۵

						مفاعیل فاعلاتن فع لان	مخبون اصلم مستغ	
۶	مضارع مثنی اخر ب مکفوف محذوف	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن	۳۱	۴,۷	۶۵	۲,۰	۳۸	۷,۷
۸	منسرح مثنی مطوی مجدوع	مفتعلن فاعلات مفتعلن فاع	۳	۰,۵	-	-	-	-
۹	منسرح مثنی مطوی منحور	مفتعلن فاعلات مفتعلن فاع	۶	۰,۹	۳	۰,۱	۲	۰,۴
۱۰	منسرح مثنی مطوی مکشوف مخبون	مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلات	-	-	۱۹	۰,۶	-	-
۱۱	منسرح مثنی مطوی مخبون مکشوف	مفتعلن فاعلات مفتعلن فاعلن	-	-	۱۳	۰,۴	-	-
۱۲	مضارع مثنی اخر ب محذوف	مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن	-	-	۲	۰,۱	-	-

اوزان بلند با ارکان تکراری هرچند سنگین و یکنواختند ولی درآرایش وزنی غزل از اهمیت بسزایی برخوردارند. این اوزان در بختی از بحر متفق الارکان تنوع چشمگیری دارند. سعدی و حافظ و مولوی به ارکان سالم در بحر رمل توجه چندانی ندارند، چنانکه حافظ در زحاف سالم بحر رمل غزلی نسروده ولی سعدی در این بحر فضای شادی میسازد:

خوش بود یاری و یاری بر کنار سبزه زاری مهربانان رو بر هم وز حسودان برکناری
(۶۸۳)

و مولوی سه غزل بدین وزن آزموده است .

گر بخوبی مد بلا فد لانسلم لانسلم کاندرین مکتب ندارد کرو فری هر معلم
(ج ۳/غ ۱۵۸/ص ۲۸۱)

اما ترکیب هجاهای هزج مثنی سالم به گونه ای است که در عین طولانی و سنگین بودن ایجاد نشاط و طرب میکند و مضمونی شاد و فرح انگیز را بیان میدارد. غزل سعدی و حافظ بسامد نزدیکی در این وزن دارند. سعدی از آمدن بهار و سماع مرغان خبر میدهد:

بهار آمد که هر ساعت رود خاطر به بستانی به غلغل در سماع آیند هر مرغی به دستانی
(۷۱)

و حافظ شاد و سرخوش غم را از ما دور میکند و دلخ در گرو میگذارد.

دمی با غم بسر بردن جهان یکسر نمی ارزد به می بفروش دلخ ما کزین بهتر نمی ارزد
(۱۷۹)

رکن آخر این بحر گاهی دارای زحاف مسبّغ "مفاعیلان" است که نشان میدهد اوزان طولانی با ارکان هشت تایی برای بیان مضامین تغزلی و عارفانه حافظ جایگاه مناسبی یافته است. حافظ در غزلی بدین وزن در پی انقلاب درونی و افکندن طرحی نو است.

بیا تا گل برفشانیم و می در ساغر اندازیم فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم
(۲۹۷)

و مولوی بیشترین غزل به بحر هزج را در وزن هزج مثنی سالم سروده است و دومین رکن در هر مصرع تکرار رکن نخست است مثل برات و خضر که با فعل آمدن ترکیب موسیقایی زیبایی در بیت ساخته است. این نوع تکرارهای لفظی با تکرارهای وزنی، موسیقی درونی بینظیری ایجاد میکند.

برات آمد برات آمد بنه شمع براتی را خضر آمد خضر آمد بیار آب حیاتی را
(ج ۱/غ ۷۰/ص ۴۹)

در بحر متقارب سالم سعدی یک غزل درت وصیف دارد.

چنان خوب رویی بدین دلربایی دریغت نیاید به هر کس نمایی
(۳۲۵)

و مولوی در این بحر منظر یار را تماشاگاه معشوق ازلی یافته است.

تماشا مرونک تماشا تویی جهان و نهان و هویدا تویی
(ج ۷/غ ۳۱۳۰/ص ۱۸)

بحر رجز در غزل سعدی نسبت به حافظ بسامد بالایی دارد و در آن به ستایش و توصیف معشوق پرداخته است.

وقت طرب خوش یافتم آن دلبر طنز را ساقی بیار آن جام می مطرب بزن آن ساز را
(۴۴۶)

در شعر حافظ تحسر و شکایت با وزن رجز مثنی سالم ذکر شده و بسامد بالایی ندارد.

آن کیست کز روی کرم با من وفاداری کند
برجای بدکاری چو من یکدم نکوکاری کند
(۱۶۹)

و مولوی در بحر رجز مثنی سالم، توصیف معشوق ازلی را این گونه طرب انگیز آورده است.

امروز خندانیم و خوش کان بخت خندان میرسد

سلطان سلطانان ما از سوی میدان میرسد

(ج ۲/غ ۵۳۰/ص ۵)

نمایه مقایسه ای (۵) اوزان بلند تکراری متفق الارکان غزل سعدی، مولوی و حافظ

ردیف	بحر	وزن	سعدی	درصد	مولوی	درصد	حافظ	درصد
۱	رمل مثنی سالم	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن	۳	۰,۵	۳	۰,۱	-	-
۲	هزج مثنی سالم	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	۲۷	۴,۱	۲۰۰	۶,۳	۲۲	۴,۴
۳	مقارب مثنی سالم، مسیب	فعولن فعولن فعولن فعولن	۱	۰,۲	۱۷	۰,۵	۱	۰,۲
۴	رجز مثنی سا لم	مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن	۱۳	۲,۰	۱۵۵	۴,۹	۲	۰,۴
۵	هزج مثنی مکفوف	مفاعیل مفاعیل مفاعیل مفاعیل	-	-	۸	۰,۳	-	-
۶	رمل مثنی مخبون	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن	۱۲	۱,۸	۳۵	۱,۱	-	-
۷	رجز	مفتعلن مفتعلن	-	-	۴۰	۱,۳	-	-

						مفتعلن مفتعلن	مثنی مطوی	
-	-	۰,۱	۳	۰,۵	۳	مفعولن مفعولن مفعولن مفعولن	هزج مثنی اخرم	۸

۲-۳- اوزان متناوب (دوری)

اوزان متناوب با ارکان دوری و تکراری یک در میان آرایش وزن دوری رمل مثنی مشکول به گونه‌ای است که در دو رکن، نخست خبری می‌آید و در دو رکن دیگر، با گزاره‌ای متناسب به خبر یا پرسش دو رکن اولیه پاسخ می‌دهد؛ چنانکه سعدی در بحر رمل مثنی مشکول میسراید.

همه عمر برندارم سر از این خمار مستی که هنوز من نبودم که تو در دلم نشستی (۶۶۴)

بیشتر مضامین غزلیات دوری سعدی شاد و طرب انگیز است، ولی حافظ از داغ و فراق در این وزن چنین سروده:

دل ما ره دور رویت ز چمن فراغ دارد که چو سرو پایبند است و چو لاله داغ دارد (۱۵۵)

اما جایگاه تناوب و تکرار در تبیین معانی و مفاهیم عرفانی مولوی برجستگی ویژه‌ای دارد.

هوسی است در سر من که سر بشر ندارم من از این هوس چنانم که ز خود خبر ندارم (ج ۳/غ ۱۶۲۰/ص ۳۰۲)

وزن دوری بحر هزج در غزل سعدی و حافظ اندک و در غزل مولوی فراوان است. سعدی در هزج مثنی اخرم، توجه خاصی دارد و برای بیان آهنگهای طرب انگیز و توصیف عاشقانه‌های او مناسبت یافته است.

ای کسوت زیبایی بر قامت چالاکت زیبا نتواند دید الا نظر پاکت (۵۰۹)

در بحر هزج حافظ کمتر به استرحام و التماس می‌پردازد و از چشم خون فشان و خاطر حزین می‌گوید اما در وزن دوری هزج چنین از غم تنهایی فریاد برمینهد:

ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی دل بی تو به جان آمد وقت است که بازآیی (۳۷۱)

اما تاثیر اوزان دوری در ایجاد شعف و جنبش و وجد در مجالس سماع و نقش آن در تفهیم مبانی عرفانی بینظیر است. مفعول مفاعیلن وزن دوری مناسب این مجالس است که بیشترین بسامد را در بین اوزان دوری و سایر اوزان دارد.

هر ذره که بر بالا می نوشد و پا کوبد خورشید ازل بیند وز عشق خدا گوید
(ج ۲/غ ۶۲۴/ص ۵۲۱)

سعدی به بحر دوری رجز مثنی مطوی مخبون، به مضامین شکایت و اظهار وفا و دوستی و تمجید معشوق پرداخته است .

چشم رضا و مرحمت بر همه باز میکنی چون که به بخت ما رسد این همه ناز میکنی
(۷۱۸)

حافظ بدین وزن همچون سعدی چندان توجهی ندارد. مضامین غزلیات حافظ شامل گله و شکایت از معشوق و اظهار تحسر و اندوه است. شاعر این چنین فاتحه ای بر مرده میخواند و از حسرت لب معشوق که جانبخش مرده است میسراید:

فاتحه ای چو آمدی بر سر خسته ای بخوان لب بگشا که می دهد لعل لب به مرده جان
(۳۰۱)

این وزن در غزلیات مولوی بسامد بالایی دارد. این یک اتفاق بزرگ در سابقه اوزان دوری است . یکی از خصوصیات چیدمان الفاظ در این بحر؛ تکرارهای درونی است .

باده بده باد مده وز خودمان یاد مده روز نشاطست و طرب بر منشین داد مده
(ج ۵/غ ۲۲۸۴/ص ۱۰۶)

نمایه (۶) اوزان متناوب متفق الارکان غزل سعدی، مولوی و حافظ

ردیف	بحر	وزن	سعدی	درصد	مولوی	درصد	حافظ	درصد
۱	هزج مثنی اخب	مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن	۱۲	۱،۸	۲۲۸	۷،۱	۶	۱،۲
۲	رمل مثنی مشکول	فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن	۲۰	۳،۰	۲۲	۰،۷	۳	۰،۶
۳	مقارب مثنی اثلیم	فع لن فعولن فع لن فعولن	-	-	۴	۰،۱	-	-
۴	رجز مثنی مطوی	مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن	۱۷	۲،۶	۱۲۷	۴	۵	۱،۰
۵	هزج مثنی مقبوض	مفاعلن فعولن	-	-	۱	۰،۰	-	-

							محذوف حشو	
۶	رمل مثنی مشکول اصلم	فعلات فع لن	-	-	۱	۰,۰	-	-
۷	رجز مربع مرفل	مستفعِلن فاع	-	-	-	-	۳	۰,۶
۸	متدارک مخبون مقطوع	فع لن فعلن فع لن فعلن	-	-	۹	۰,۳	-	-

بسامد غزلیات سعدی و حافظ در وزن دوری بحر مضارع بسیار نزدیک است. علیرغم آهنگ
پرجنبش و شادی آور این وزن، مضامین غم‌انگیز و اندوه و حسرت در آن شتاب میگیرند. سعدی
میسراید.

بگذشت و بازم آتش در خرمن سکون زد دریای آتشینم در دیده موج خون زد
(۵۳۰)

در غزل مولوی ریتم این وزن دوری به سبب تکرار موسیقایی ارکان تند تر بوده و سکوت بین
دورها موجب ایجاد ریتمهای مقطع و مناسب سماع و حرکت میشود حتی در اوزان دوری بحور
مختلف الارکان مثل وزن مضارع مثنی اُخرب این بخوبی مشهود است.

روزی خوشست رویت از نورروز خوشتر باده نکوست لیکن ساقی ز می نکوتر
(ج ۱۱۱۱/۳ ص ۱۸)

حافظ دل از کف میدهد و از برملا شدن رازهای پنهانی میهراسد.

دل میرو د ز دستم صاحب‌دلان خدا را دردا که راز پنهان خواهد شد آشکارا
(۹۹)

بحر دوری مجتث مثنی مخبون قابل توجه سه شاعر نیست. سعدی در وزن مفاعِلن فعلاتن از
آشکارشدن راز عشق چنین پرده برمیدارد:

هزار جهد بکردم که سر عشق بیوشم نبود بر سر آتش میسرم که نجوشم
(۶۰۲)

و مولوی در این وزن از عشق عرفانی که او را به ناکجا آباد برده، میگوید:

ببرد عقل و دلم را براق عشق معانی مرا بپرس کجا برد آن طرف که ندانی
(ج ۶/۳۸ ص ۲۵۴)

دراوزان دوری بحرمنسرح سعدی دووزن را آزموده ومضامین ستایش حسرت و اندوه رابیان کرده است.

ماه چنین کس ندید خوشسخن و کش خرام ماه مبارک طلوع سرو قیامت قیام (۴۵۱)

و مولوی از آواز عشق که از هر طرف بگوش میرسد چنین میسراید:
هر نفس آواز عشق میرسد از چپ و راست ما به چمن میرویم عزم تماشا گراست (ج ۱/غ/۴۷۳/ص ۲۷۵)

ساختارشکنی در میزان ارکان عروضی و ایجاد چهار پاره‌های نو و اوزان متفاوت در یک بیت یا ابیاتی از غزل از خصوصیات وزنی غزل مولوی است. چنانکه از بحر منسرح مثنی مطوی منحور که به وزن مفتعلن فاعلات مفتعلن فع است، وزن دوری مفتعلن فع مفتعلن فع را استخراج کرده است و آن را به صورت ۱۶ رکنی آورده که با قوانین عروضی که در هر مصرع ۸ رکن می‌آید مغایرت دارد.

آینه ام من آینه ام من تا که بدیدم روی چو ماهش
چشم جهانم چشم جهانم تا که بدیدم چشم سیاهش
(ج ۳/غ/۱۲۶۹/ص ۱۱۰)

و حافظ بر آنست که اوضاع نابسامان را تغییر دهد:
بر سر آنم که گر ز دست برآید دست به کاری زنم که غصه سرآید
(۲۱۸)

در بحر مقتضب مثنی مطوی مقطوع حافظ یک غزل به وزن دوری «فاعلات مفعولن» سروده و در آن به پند و اندرز پرداخته است تا آن دم روحانی که زندگی بدون آن معنایی ندارد غنیمت شمرده شود.

وقت را غنیمت دان آن قدر که بتوانی حاصل از حیات ای جان این دمست تا دانی
(۳۳۷)

جدول (۷) اوزان متناوب مختلف الارکان غزلیات سعدی، مولوی و حافظ

ردیف	بحر	وزن	سعدی	درصد	مولوی	درصد	حافظ	درصد
۱	مضارع مثنی اخر ب	مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن	۲۱	۳,۲	۱۳۰	۴,۱	۱۹	۳,۸
۲	منسرح مثنی مطوی	مفتعلن فاعلات	۱۱	۱,۷	۳۳	۱,۰	-	-

	موقوف	مفتعلن فاعلات						
۳	منسرح مئمن مطوی مکشوف	مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن	۶	۰,۹	۴۴	۱,۴	-	-
۷	مجتث مئمن مخبون	مفاعلن فاعلاتن مفاعلن فاعلاتن	۱۳	۲,۰	۱۰	۰,۳	۲	۰,۴
۵	مقتضب مئمن مطوی مقطوع	فاعلات مفعولن فاعلات مفعولن	-	-	-	-	۱	۰,۲
۶	خفیف مئمن مخبون	فاعلاتن مفاعلن	-	-	۷	۰,۲	-	-
۷	بسیط مئمن مخبون	مستفعلن فعلن	-	-	۲	۰,۱	-	-
۸	عمیق مئمن	فاعلن فاعلاتن	-	-	۲	۰,۱	-	-
۹	مدید مئمن	فاعلاتن فاعلن	-	-	۲	۰,۱	-	-

۲-۴- اوزان کوتاه

اوزان کوتاه شامل ارکان مسدس با زحاف مختلف در بحور متفق و مختلف الارکان غزل سه شاعر مشاهده میشود. در اوزان کوتاه مثل رمل مسدس محذوف و مقصور سعدی به توصیف زیباییهای معشوق و دعوت به شادی و سرخوشی و مزده و بشارت پرداخته است:

سرو بالایی به صحرا میرود رفتنش بین تا چه زیبا میرود
(۴۱۵)

اما بیشترین بسامد در این وزن از آن غزل مولوی است:

چون نمایی آن رخ گلرنگ را از طرب در چرخ آری سنگ
را

(ج ۱ غ ۱۷۱/ص ۱۰۹)

سعدی در بحر هزج مسدس اُخرِ مقبوض محذوف و مقصور، شادمانه از دیدن یار میسراید:
امروز مبارک است حالم کافتاد نظر بر آن جمال
(۶۰۴)

و مولوی بسامد بالایی را در این وزن به خود اختصاص داده است:
خوش باش که هر که راز داند داند که خوشی خوشی کشاند
(ج ۲/غ ۷۱۲/ص ۱۰۰)

و گاه غمگانه از غیاب یار مینالد:
امروز نگار ما نیامد آن دلبر و یار ما نیامد
(ج ۲/غ ۷۱۱/ص ۱۰۰)

سعدی در بحر هزج مسدس محذوف و مقصور اندک غزل سروده است. در این غزل شاعر از بی وفایی یار شکوه دارد:
ترا نادیدن ما غم نباشد که در خیلِت به از ما کم نباشد
(۶۱۵)

و حافظ التماس آمیز از یار درخواست میکند که مهربانانه رفتار کند.
مزن بر دل ز نوک غمزه تیرم که پیش چشم بیمارت بمیرم
(۲۷۳)

مولوی با بسامد بالایی در این وزن میسراید:
مرا گویی کرایِ من چه دانم چنین مجنون چرایِ من چه دانم
(ج ۳/غ ۱۵۱۷/ص ۲۴۷)

نماینه (۸) اوزان کوتاه متفق الارکان غزل سعدی، مولوی و حافظ

ردیف	بحر	وزن	سعدی	درصد	مولوی	درصد	حافظ	درصد
۱	رمل مسدس محذوف	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	۱۵	۲,۳	۱۰,۶	۳,۳	۳	۰,۶
۲	رمل مسدس مقصور	فاعلاتن فاعلاتن فاعلات	۹	۱,۴	۲۵	۰,۸	۳	۰,۶
۳	رمل مسدس مخبون محذوف	فاعلاتن فاعلاتن فعلن	۱	۰,۲	۱۰	۰,۳	-	-
۴	رمل مسدس مکفوف	فاعلات فاعلات فاعلن	-	-	۱	۰,۰	-	-

							محذوف	
۵	رمل مسدس مخبون مقصور	فاعلاتن فاعلاتن فعلات (فعلان)	-	۸	۰,۳	-		
۶	رمل مسدس مخبون اصلم	فاعلاتن فاعلاتن فع لن	۱	۰,۲	۳	۰,۱	-	
۷	رمل مسدس اصلم مسیغ	فاعلاتن فاعلاتن فع لان	-	۱	۰,۰	-		
۸	هزج مسدس محذوف	مفاعیلن مفاعیلن فعولن	۱۸	۲,۷	۱۹۸	۶,۲	۱۷	۳,۴
۹	هزج مسدس مقصور	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل	۱۳	۲,۰	۶۶	۲,۱	۸	۱,۶
۱۰	هزج مسدس اخر ب مقبوض مقصور	مفعول مفاعیلن مفاعیل	۲۲	۳,۳	۶۰	۱,۹	۱	۰,۲
۱۱	هزج مسدس اخر ب مقبوض محذوف	مفعول مفاعیلن فعولن	۱۴	۲,۱	۱۳۶	۴,۳	۵	۱,۰
۱۲	هزج مسدس اخر ب مقبوض	مفعول مفاعیلن مفاعیلن	۳	۰,۵	۱۲	۰,۴	-	
۱۳	هزج مسدس مقبوض مقصور	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل	۱	۰,۲	۱	۰,۰	-	

اوزان کوتاه بحر مختلف الارکان در ۳ بحر سروده شده اند. بحر خفیف، سریع و مقتضب. در بحر خفیف و وزن فاعلاتن مفاعیلن فعولن سعدی بیشتر به بیان اندوه میپردازد و در یک غزل شادمانه از خبر وصال میگوید:

خوش خبر باشی ای نسیم شمال که به ما میرسد زمان وصال
(۲۵۵)

اوزان کوتاه در غزل مولوی کمتر از اوزان سالم و متناوب است. شاعر در حالت بیخودی از خود میپرسد:

آه چه بی رنگ و بی نشان که منم کی ببینم مرا چنان که منم؟
(ج ۴/غ ۱۷۵۹/ص ۷۹)

در بحر سریع سعدی غزلهای خطابی و اغلب ندایی سروده است. شاعر به دو وزن با زحاف مطوی مکشوف و مطوی موقوف پرداخته و ابیات با وجود سرعت درونی به تحذیر میپردازد.

ای رخ چون آینه افروخته الحذر از آه من سوخته
(۶۴۲)

همچنین بحر سریع چندان مورد علاقه حافظ نیست و در این بحر پرحرکت با غزلی شادمانه به فرح و طرب این وزن افزوده است.

هاتفی از گوشه میخانه دوش گفت ببخشند گنه می بنوش
(۴۴۲)

اما مولوی در بحر سریع با سایر شاعران بسیار متفاوت است. توجه مولوی به این بحر پرجنبش و هیجان چه بسا با مراسم سماع و وجد مرتبط است. وزن مفتعلن مفتعلن فاعلن سرعت و حرکت کافی برای ایجاد شعف و سماع را دارد و سخن از نواهای نو میزند.

در دل من پرده نو میزنی ای دل و ای دیده و ای روشنی
(ج ۳/۱۷۸/ص ۵۲)

جدول (۹) اوزان کوتاه مختلف الارکان غزلیات سعدی، مولوی و حافظ

ردیف	بحر	وزن	سعدی	درصد	مولوی	درصد	حافظ	درصد
۱	خفیف مسدس مخبون اصلم	فاعلاتن مفاعلن فع لن	۱۶	۲,۴	۳۷	۱,۲	۱	۰,۲
۲	خفیف مسدس مخبون اصلم مسیبغ	فاعلاتن مفاعلن فع لان	۹	۱,۴	۳۴	۱,۱	۲	۰,۴

۳	خفیف مسدس مخبون مقصوف	فاعلاتن مفاعیلن فعلات	۴	۰,۶	۴	۰,۱	۵	۱,۰
۴	خفیف مسدس مشعث	فاعلاتن مفاعیلن فعلاتن	-	-	۱	۰,۰	-	-
۵	خفیف مسدس مخبون محدوف	فاعلاتن مفاعیلن فعیلن	۶	۰,۹	۶	۰,۲	-	-
۶	سریع مسدس مطلوی مکشوف	مفتعلن مفتعلن فاعیلن	۵	۰,۸	۴۸	۱,۵	۱	۰,۲
۷	سریع مسدس مطلوی موقوف	مفتعلن مفتعلن فاعلات	۴	۰,۶	۲۳	۰,۷	-	-

۲-۵- نوآوری‌های مولوی واوزان عروضی

از خصایص برجسته اوزان غزلیات مولوی نوآوریهای وزنی شاعر شامل دو نوع اوزان ایجاد نو و اوزان برگرفته است. اوزان ایجاد نو از بداهه‌های مولوی سرچشمه میگیرد که چه بسا آنها را در حالت بیخودی در مجالس سماع آفریده و موجب شور و وجد در مجالس عرفا شده است. دیگر اوزان کم‌کاربرد که قبلاً خلق شده اند ولی در دیوان کمتر شاعری کاربرد داشته اند و مولوی خواسته یا بداهه آنها را در غزل خود مورد توجه قرار داده و برجسته کرده است. همین نیز یکی از مهمترین مختصات سبکی غزل مولوی بشمار میرود.

۲-۵-۱- اوزان ایجاد نو

همانطور که گفته شد، اوزان ابداعی مولوی در دوایر عروضی موجود نیستند و مولوی آنها را ایجاد و خلق کرده و تربیت شنیداری و ذهن موسیقایی و شرایط و محیط مناسب خانقاه و مجالس سماع درآفرینش آنها نقش بسزایی داشته است. بدین معنی که آهنگهای تازه از برخی از بحور

متفق یا مختلف الارکان گرفته شده اند یا آهنگی نزدیک بدانها دارند و از مختصات آنها تکراری و دوری بودن آنهاست:

الف) مفتعلن فع: این وزن دوری از بحر منسرح مثنی مطوی منحور با وزن "مفتعلن فاعلات مفتعلن فع" گرفته شده است.

جان من است او هی مزیندش آن من است او هی مبریدش
(ج ۳/غ ۱۲۸۰/ص ۱۱۵)

ب) فعلن فعولن: مولوی وزنی نزدیک به زحاف ائلم "فع لن فعولن" در بحر متقارب ساخته و چندین غزل بدان سروده است. در غزل بجای هجای بلند بیت، دو هجای کوتاه ذکر شده است

دل من که باشد که تو را نباشد تن من که بشد که تو را نباشد
(ج ۷/غ ۳۱۳۵/ص ۲۲)

ج) مفاعیلن مفعولن: چه بسا این بحر از بحر مجتث و کاربرد زحاف مشعث ساخته شده باشد.
به جان تو ای طایبی که سوی ما باز آیی تو هرچه میفرمایی همه شکر میخایی
(ج ۵/غ ۲۲۴۳/ص ۷۸)

د) مفاعیلن فعولن: این وزن دوری را مولوی نزدیک به بحر بسیط و زحاف خبن آن یعنی "مفاعیلن فعلن" ساخته است.

تو صد شکرستانی، ترش چه کردی ابرو؟ سبکتر از صباپی، چرا شوی گرانجان
(ج ۴/غ ۱۸۸۹/ص ۱۶۰)

ه) فاعلاتن فعولن: این وزن نزدیک به بحر مشاکل بر وزن "فاعلاتن مفاعیلن مفاعیلن" و زحاف محذوف آن با ارکان مسدس، وزن "فاعلاتن مفاعیلن فعولن" (فرهنگ عروض، ۱۱۱) در فرهنگهای عروضی میتوان مشاهده کرد.

پرده آن جام را ساقیا بار دیگر نیست در دین و دنیا همچو تو یار دیگر
(ج ۳/غ ۱۰۹۴/ص ۷۳)

و) فاعلاتن فع لن: این بحر ممکن است برگرفته از رمل و زحاف اصلم عروض و ضرب یا خفیف مسبغ باشد.

میدود آن زیبا بر گل و سوسنهای گوییا ما را بین ما از آن گلزاریم
(ج ۴/غ ۱۷۴۸/ص ۷۳)

۲-۵-۲- اوزان کم کاربرد

این اوزان در دایره عروضی موجود است ولی کاربرد زیادی در اشعار شاعران پیش از مولوی نداشته است و مولوی از آنها استفاده کرده است. شش وزن کم کاربرد از بحور متفق و مختلف

الارکان که برخی از آنها ذوبحرین نیز هستند، بیشتر با ارکان مربع در غزلیات مولوی مشاهده میشوند:

الف) مدید مئمن سالم: وزن "فاعلاتن فاعلن" در بحر مدید با فراز و فرودی آهنگین خاص سماع
من کجا بودم عجب بی تو این چندین زمان در پی تو همچو تیر در کف تو چون
کمان

(ج ۴/غ ۲۰۸۶/ص ۲۸۰)

ب) بسیط مئمن مخبون عروض: مستفعلن فعلن بیشتر مختص عرب (فرهنگ عروض، ۲۱)
وزنی که مولوی آن را به تناسب بیان احوالات عاشقی و بیخودی از آن استفاده کرده است.
عشق تو خواند مرا کز من چه میگذری نیکو نگر که منم آن را که مینگری
(ج ۷/غ ۳۱۱۴/ص ۶)

ج) مقتضب مربع مطوی مقطوع: دارای وزن "فاعلات مفعولن" شاد و پرحرکت برای بیان
سرخوشی عرفانی مناسب دارد.

جان جان مایی خوشتر ز حلوایی چرخ را پر کردی زینت و زیبایی
(ج ۷/غ ۳۱۱۰/ص ۳)

د) منسرح مربع مخبون مکشوف: با وزن "مستفعلن فاعولن" که ترکیبی است از حرکت
آهسته بحر رجز و شتاب بحر متقارب و دارای ارکان مربع، مولوی غزلی ذوبحرین ساخته است که
میتوان آنرا در بحر منسرح با وزن "مستفعلن فاعولن" و دیگری در بحر مضارع با وزن "مفعول
فاعلاتن" خواند:

باز آمد آن مغنی با چنگ ساز کرده دروازه بلا را بر خلق باز کرده
(ج ۵/غ ۲۳۹۱/ص ۴۲)

ه) متدارک مخبون مقطوع: این وزن را میتوان به صورت "فع لن فعلن" و نیز "مفعول فعل"
تقطیع کرد که چه بسا مناسب مجالس سماع و وجد عرفا، شور و سرورآفرین بوده است.
با من صنما دل یک دله کن گر سر ننهیم آنکه گله کن
(ج ۴/غ ۲۰۹۵/ص ۲۸۶)

۳- نتایج

فرآیندی که از بررسی بحور و اوزان غزلیات سه شاعر بدست می‌آید، نخست نشانگر پاره‌ای
اشتراکات و تفاوت‌های وزنی است. چنانکه بسیاری از اوزان خوش آهنگ بحور رمل، هزج، رجز،
مضارع و منسرح و مجتث برای بیان مضامین مختلف درغزلیات سه شاعر بکار رفته‌اند. اوزان
صیقلی و نرم و تقطیع آنها به روانی صورت گرفت که میتواند مبین تحول اوزان شعر پارسی و

مهارت این شاعران نسبت به اشعار متقدمان باشد. انتخاب مطبوعترین اوزان مبین بکاربردن آشناترین اوزانی است که به گوش و حس سه شاعر خوش آمده است. (رک. جدول ها) تفوق بحر رمل و مجتث در غزل سعدی و حافظ ممکن است به پیروی از سنتهای وزنی باشد که در تربیت شنیداری این شاعران از گذشته نقش بسزایی داشته است. (رک. جدول ۱،۲) میزان اوزان بحور متفق الارکان، به طور کلی بسامد بیشتری نسبت به اوزان بحور مختلف الارکان نشان میدهد. پیوند اوزان و مضامین به دیدگاهها و تربیت شنیداری شاعران بستگی دارد و بدون هیچ قاعده و محدودیتی مضامین مختلف شادی و اندوه و شکایت و تحسر و غیره با هر وزنی بیان شده اند. برای مثال اوزان کوتاه که معمولاً آهنگ تند و هیجان انگیزی دارند، پارادوکس وار برای بیان اندوه و همچنین شادی توامان بکار رفته اند. بحر متقارب که در اشعار قرون گذشته بیشتر کاربرد حماسی داشته یا بحر سریع که دارای شتاب و سرعت است، در غزل سعدی و مولوی و حافظ برای مضامین عاشقانه و عارفانه و توصیف طبیعت و معشوق، با تمی و آهنگی شاد و نیز غمگین بکار رفته است. رایجترین اوزان غزل در غزلیات سه شاعر شامل ۳۰ وزن اند. در غزل سعدی و حافظ ۸ وزن و در غزل مولوی ۱۲ وزن بیشترین فراوانی را دارند. (رک. جدول های ۱-۹) اوزان غزلیات سعدی و حافظ هرچند بیش از یک قرن با یکدیگر فاصله دارند، بیشتر از اوزان غزل سعدی و مولوی که در قرن هفتم میزیستند، به یکدیگر نزدیک است. هرچند بسامد بحور و اوزان متفق الارکان در غزل سه شاعر قریب به یکدیگر است، اوزان بحور مختلف الارکان در شعر مولوی به نسبت غزل سعدی و حافظ اندک است. (رک. جدول ۱ و ۲) بحر متقارب و بحر سریع در غزل سعدی و حافظ کاربرد چندانی ندارد ولی در غزل مولوی به خصوص بحر سریع بسامد و فراوانی قابل توجهی را نشان میدهد که چه بسا به سبب شتاب وزنی موجب ایجاد سرعت و وجد در مجالس سماع بوده باشد. (رک. جدول ۴ و ۹) کاربرد اوزان کوتاه با ارکان مسدس در غزل مولوی و سعدی قابل توجه است، در صورتی که در غزل حافظ کاربرد چندانی ندارد. (رک. نمایه ۳) سعدی و حافظ نوآوریهای وزنی ندارند؛ درحالیکه مولوی در ۱۱ وزن، یعنی ۶ وزن ایجاد نو و ۵ وزن کم کاربرد، وزن آزمایشی کرده و غزلیات زیبا و آهنگین سروده است که برخی در موسیقی سنتی معاصر بکار رفته اند (با من صنما دل یکدله کن) این نوع اوزان بیشتر شامل اوزان متناوب اند. (رک. جدول ۷) کاربرد اوزان متناوب در غزل سعدی و حافظ به نسبت مولوی بسیار اندک است. به طوری که در غزل مولوی ۶۱۸ غزل (۱۹،۳٪) یعنی قریب ۱/۴ غزلیات دارای اوزان متناوب یا دوری اند، درحالیکه این اوزان در غزل سعدی و حافظ ۷٪ را شامل میشوند و این مهمترین خصیصه عروضی است که غزل مولوی را از دو شاعر دیگر مجزا میکند. چه بسا اوزان متناوب بادورهای تکراری یک درمیان در ایجاد جنبش و شوق و هیجان و حرکت و سپس خلسه و حالت بیخودی در مجالس وجد و سماع موثر بوده و چه بسا در همان مجالس خلق شده باشند. (رک. نمایه ۲) اوزان بلند با زحاف سالم و تکراری نظیر رجز مثنی سالم یا مطوی و هزج مثنی سالم که معمولاً حرکتی آرام و منظم بوجود می آورند و

اوزانی سنگین و طولانی شمرده میشوند و شامل ۴۵۸ (۱۴,۳٪) غزل و با اوزان متناوب مجموعاً ۱۰۷۶ (۳۳,۷٪) یعنی بیش از ۱/۳ غزل مولوی را به خود اختصاص داده اند، با این وجود این اوزان طولانی و سنگین نیز در ایجاد شعف و وجد عرفانی موثر بوده اند. (رک. جدول ۵ و نمایه ۱) هرچند تلفیق وزن و معانی در اکثر غزل‌های سه شاعر با مهارت و استادانه انجام گرفته است ولی آهنگ کلی غزلیات مولوی در مجموع به لحاظ چیدمان صوتی و تلفیق اوزان خوش تراش با معانی و مضامین عارفانه بینظیر و تکرارنشده است.

منابع و مآخذ

- ۱- اصالت و توالی ابیات در غزل‌های حافظ، فرزاد، مسعود. ۱۳۵۳. شیراز، دانشگاه پهلوی، کانون جهانی حافظ شناسی.
- ۲- آفاق غزل فارسی، صبور، داریوش، ۱۳۴۸. انتشارات زوار، چاپ چهارم.
- ۳- تحقیق انتقادی در عروض فارسی و چگونگی تحول اوزان غزل، خانلری، پرویز. ۱۳۲۷، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۴- دیوان اشعار حافظ، ۱۳۷۰. تصحیح محمد قزوینی، غنی، انتشارات اساطیر.
- ۵- دیوان کبیر، مولوی، محمد بلخی. ۱۳۴۵. بدیع الزمان فروزانفر، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶- شرح غزل‌های سعدی برزگر خالقی، محمدرضا، تورج عقداپی، ۱۳۸۶. انتشارات زوار.
- ۷- عروض مولوی، فرزاد، مسعود. ۱۳۴۹. انتشارات خرد و کوشش. شیراز.
- ۸- غزلیات شمس، مولوی، محمد بلخی. ۱۳۳۵. منصور مشفق، انتشارات صفی‌علیشاه.
- ۹- غزلیات شمس تبریز، مولوی، محمد بلخی، ۱۳۸۷. محمدرضا شفیعی کدکنی، جلد اول، انتشارات سخن، تهران.
- ۱۰- فرهنگ عروضی، شمیسا، سیروس. ۱۳۷۰. انتشارات فردوس، تهران، چاپ دوم.
- ۱۱- کلیات سعدی، سعدی، مصلح، ۱۳۶۶. محمدعلی فروغی، انتشارات علمی، تهران.
- ۱۲- لغت نامه، دهخدا، علی‌اکبر. ۱۳۷۴. مؤسسات انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۱۳- مقالات تحقیقی درباره حافظ. فرزاد، مسعود، به اهتمام منصور رستگار فسایی، شیراز، نوید.
- ۱۴- موسیقی شعر، شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۶۸. انتشارات آگاه، تهران، چاپ دوم.
- ۱۵- وزن شعر فارسی، ناتل خانلری، پرویز. ۱۳۶۶. انتشارات طوس، تهران.

A Comparative Investigation of the Prosodic Features of Saadi, Molavi and Hafez's Qhazals

Mansoureh Sabetzadeh^۱

Abstract

The comparative study of prosody traits used in the poetries by Saadi, Molavi and Hafez, is of prime significance in stylistics of their Qhazals and other most famous of poets of seven and eight centuries. In this research, for the better identifying of the qualities of meters, frequency of rare, common, uncommon meters of ۴۳۰ Qhazals have been compared. Study of Saadi and Hafez's prosody has presented that Ramal and Mojtas meters are the most frequent, even though Hazaj and Mozare meters enjoy the highest frequency in Molavi's qazals. The different meanings usually have been presented with all of meters. Although Saadi and Hafez lived in different eras, the measure and quality of many of their meters are remarkably similar. Molavi has had innovation in meters of his Qazal, especially the Repetition meters whereas Saadi and Hafez had no innovative meters. Common meters of these poets are ۳۰ that fifth of which are the most frequent. Repetition meters have great effect on expressing influencing mystical meaning in Molavi's Qazal.

Keywords: prosody, comparative, Qazal, Saadi, Molavi, Hafez

^۱ - Department of Islamic Azad university, South Tehran Branch, Tehran, Iran(m_sabetzadeh@azad.ac.ir)

